

بهریک از این مستثنیات چه حقوقی تعلق میگیرد و حکم کدام یک از آن محمولات یستی را دارند و هیچ همچی چیزی در اینجا ذکر نشده چون ممکن است بعضی بگویند آن حق که برای پاکت سفارشی است باید شامل حال این اوراق بشود و بعضی بگویند باید حق پاکتهای هادی که شش شاهی است از این ها گرفته شود و بعضی ممکن است بگویند حقوق مخففه که در اینجا ذکر شد باید داده شود برای اینکه این اشکالات و اختلافات رفع شود خوب است در اینماده تصریح شود که این اشیاء از حکم فلان ماده مستثنی است و در حکم فلان ماده است این اصلاح اشکالی ندارد پس معلوم است با خود ماده کسی مخالفت نمیکند و آنچه گفته میشود برای تکمیل ماده است **مخبر** - بنده قبول میکنم که راجع شود بکمسیون و فقراتی که لازم است بآن ضمیمه شود .

**نایب رئیس** - آقای مخبر قبول کردند که اینماده برگردد بکمسیون و آن مطالبی که لازم است بآن ملحق شود ماده (۱۹) ثانیاً قرائت میشود و رأی میگیریم ماده مزبور با اضافه جمله دوازده مثنی راجع بجرائد مجدداً قرائت شد .

**نایب رئیس** - رأی میگیریم به ماده (۱۹) باین مضمون که قرائت شد آقایانیکه بالینماده موافقت قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب شد .

اگر مخالفتی نباشد چون ظهر است جلسه را ختم کنیم دستور جلسه آتی هم بقیه شور دوم قانون یستی و وقت آن روز سه شنبه ۲ ساعت قبل از ظهر است (مجلس موقع ظهر ختم شد)

**جلسه ۴۹**

**صورت مشروح مجلس روز سه شنبه دوم شعبان ۱۳۲۳**

مجلس دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای معذل الدوله نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز ۱ شنبه ۲۹ شهر رجب قرائت شد .

فائین بدون اجازه - آقای ناصر الاسلام

**نایب رئیس** - در صورت مجلس نظریاتی هست؟ (نظریاتی نبود) صورت مجلس تصویب شد - دستور امروز بقیه شور در قانون یستی - البته خاطر آقایان هست که در جلسه گذشته ماده چهاردهم قانون یستی رد شد بجای آن ماده آقای حاج عزالملك پیشنهادی کرده اند قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۴ - امتیاز انحصاری طبع و فروش تمبر یست و سایر علامات راجعه بحقوق یستی با دولت است طبع و تهیه تمبر بتوسط وزارت مالیه خواهد بود .

**حاج عزالملك** - در جلسه قبل اینماده بدون قسمت اخیر که بنده اضافه کرده ام در موقع رای دادن رد شد چون بنده اساس این ماده را لازم میدانم گمان میکنم در این امر رأی داده شود زیرا باید تصدیق کرد که انحصار و امتیاز طبع و فروش تمبر با دولت است و اشخاص متفرقه حق ندارند که تمبر را طبع نموده بفروش برسانند یا بک نوع علامات یستی نمایند و اگر یک همچو ماده طرح نکنیم و در

قانون یست نگذاریم اسباب اشکال خواهد شد و اساساً آقایان تصدیق خواهند فرمود که در قانون یست یک همچی ماده لازم است منتها بعضی نظریات در این بود که این ماده رد شد و گمان میکنم باعث رد شدن این ماده این بود که شاید اغلب نمایندگان صلاح نمیدانستند اداره یست مستقلاً خودش هم تمبر را تهیه و طبع کند و هم خودش بمصرف فروش برساند بجهت اینکه شاید آن وقت آن نظارت واقعی سکه باید از طرف دولت در محاسبات آن بشود نمی شد باین دلیل بنده یک قسمتی بآخر اینماده اضافه کرده ام که همانطوری که در قانون تشکیلات مالیه گفته شد تهیه و طبع تمبر باوزارت مالیه باشد و این مسئله در قانون یستی هم باید تصریح شود چون فروش تمبر منحصر ب اداره یست نیست و در اغلب ادارات ما مثل عدلیه و اداره تذکره و همچنین سایر وزارتخانه ها معمول است و هر کدام یک ترتیبی استعمال تمبر می کنند منتها اداره یست هم بترتیب خودش استعمال مینماید فرض بفرمائید اگر بنا شود هر وزارتخانه آن تمبری را که میخواهد بمصرف برساند خودش تهیه نماید آن مرکزیتی که ما در نظر داریم و آن محاسبات که از حیث نگاهداری تمبر از طرف دولت باید بشود بکلی از میان می رود باین دلیل باید مرکز آن وزارت مالیه باشد و از وزارت مالیه بهر یک از وزارتخانه ها که تمبر لازم دارند تقسیم شود محققاً اشکال آن تمبر ها هم لابد فرق دارد و هر وزارتخانه یک قسم تمبر باید استعمال نماید وزارت مالیه باید برای این کار مرکزیت داشته باشد که بتواند محاسباتش را بخوبی نگاه بدارد که چقدر طبع شده و بهر یک از وزارتخانه چقدر تحویل داده شده است که هر وقت حساب آن را بخواهد آن اداره بزودی صورت حساب آنرا بدهند بنا براین فروش تمبر باین دلایل که عرض شد با دولت خواهد بود و اشخاص مختلفه نباید در اینخصوص مداخله نمایند و مرکزیت آنهم در وزارت مالیه باید باشد .

**نایب رئیس** - اگر آقای مخبر موافقت میفرمایند ارجاع بکمسیون شود . **مخبر** - رأی بگیریید .

**نایب رئیس** - آقایانی که پیشنهاد آقای حاج عزالملك را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب شد - ارجاع می شود بکمسیون ماده ۲۲ قرائت میشود . (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۲ - حقوق یستی مستوره جات تجارتی که در زمان تحویل حقوق پرداخته شود و مبداء و مقصد آن در داخله مملکت باشد از قرار ده مثنی یا کسرده مثنی دوشاهی است ولی وزن مستوره جات از ۷۵ مثنی نباید زیادت باشد .

**حاج شیخ محمد حسن** - در اینجا که نوشته است (ولی وزن مستوره جات از ۷۵ مثنی نباید زیادت باشد) اگر مقصودشان این است که از ۷۵ مثنی نباید زیادت باشد کلمه ( ولی ) زیادی است بلکه موهم معنی دیگر است باید اینطور نوشته شود از قرار ده مثنی یا کسرده مثنی دوشاهی

است و وزن مستوره جات از ۷۵ مثنی نباید زیادت باشد لفظ (ولی) در اینجا موهم معنی دیگر است . **نایب رئیس** - این اصلاح عبارتی است همین طور اصلاح میشود .

**آصف الممالک** - در اینجا که نوشته شده (حقوق یستی مستوره جات تجارتی که در زمان تحویل حقوق پرداخته میشود) ضرر ندارد (نوشته شود حقوق یستی مستوره جات تجارتی که در زمان تحویل پرداخته میشود) .

**نایب رئیس** - در کمسیون اصلاح می شود رأی می گیریم بماده ۲۲ آقایانی که تصویب میفرمایند قیام خواهند فرمود .

(عده کثیری قیام نمودند)

(ماده ۲۳ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۳ - حقوق معینه در فصل سابق به مستوره جاتی تعلق می گیرد که دارای قیمت تجارتی نباشد و روی خود مستوره یا نوار و لفاف آن چیزی دیگری جز اطلاعات ذیل نوشته نشده باشد عنوان گیرنده - اسم فرستنده - علامت کارخانه یا علامت مخصوص تاجر - نمره - قیمت - اطلاعات راجعه به وزن و طول و حجم و مقدار مال التجاره که نقداً از آن جنس حاضر است و اطلاعات راجعه و مبداء و جنس مال التجاره .

**نایب رئیس** - در اینماده ۲۳ نظری نیست؟ (اظهاری نشد) آقایانیکه موافقت قیام نمایند . (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

**نایب رئیس** - اکثریت است - ماده ۲۴ قرائت میشود . (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۴ - حقوق متعلقه باوراق کار که در زمان تحویل حقوق یستش ادا میشود و مبداء و مقصدش در داخله مملکت است از قرار ده مثنی یا کسر ده مثنی دوشاهی است و وزن این بسته ها از چهارصد مثنی نباید تجاوز کند اقل میزان حقوق یستی هر بسته اوراق کارش شاهی است .

**نایب رئیس** - در اینماده هم نظری نیست آقایانی که ماده ۲۴ را تصویب می فرمایند قیام خواهند فرمود .

(اغلب قیام نمودند و ماده مزبوره تصویب شد)

ماده ۲۵ - تعیین شرایط جنس و شکل و اندازه کارت های یستی و بسته های جراید و ضمیمه های جراید و سایر مطبوعات و مستوره جات تجارتی و اوراق کار با اداره یست است اداره یست مجاز است که از حیث شرایط و تعرفه کارتهائی را که اشخاص مختلفه می سازند مثل کارتهای یستی ملاحظه نماید .

**نایب رئیس** - گویا آقایان در این ماده هم نظری ندارند - رأی میگیریم در ماده (۲۵) آقایانی که موافقت قیام فرمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

ماده ۲۶ - حقوق مقرر در فصل ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۴ این قانون بجراید و مطبوعات و مستوره جاتی و اوراق کاری تعلق می گیرد که در زمان تحویل دادن بیست خانه تمبر روی آنها الصاق شده باشد و بادر نوارهای تمبردار پیچیده شده باشد آنهاست که در زمان ارسال ابتدا تمبر روی آنها الصاق نشده باشد

چهار برابر حقوق معینه از گیرنده آن دریافت خواهد شد.

**نایب رئیس** - در ماده ۲۶ نظریاتی نیست؟

**حاج شیخ محمد حسن** - در این ماده دو فقره پیشنهاد حاضر است قرائت شود.

**نایب رئیس** - خوب است توضیح هم بدهید

**حاج شیخ محمد حسن** - قرائت شود

توضیح میدهم.

**نایب رئیس** - غیر از آقای شیخ محمد حسن

دیگر مخالفی نیست؟

**حاج شیخ حبیب الله** - بنده عرضی دارم.

**نایب رئیس** - بفرمائید - بعد پیشنهاد آقای

حاج شیخ محمد حسن قرائت میشود.

**حاج شیخ حبیب الله** - مطبوعات دو قسم است

یکی مطبوعاتی است که حکم مراسلات را دارد که

دارای شرایط تخفیف نیست همانطوریکه ذکر شده

است و یکی هم مطبوعاتی است که دارای شرایط

تخفیف هست اکثر آن مطبوعاتی است که حکم مراسلات

را دارد و دارای شرایطی نیست چرا باید چهار برابر

بگیرید باید همانطور که گفتند دو مقابل گرفته شود

و اگر مطبوعاتی است که دارای شرایط است باز هم

چرا باید چهار برابر گرفته شود باید آن ملاحظه

را که دولت در جرایم و مطبوعات در نظر گرفته و برای

آن تخفیف قرار داده باید دو این قسمت هم آن

رعایت را بفرمائید اگر هم آن ملاحظه رانمی فرمائید

باز نباید بیش از دو برابر گرفته شود.

**مخبر** - در اینخصوص در شور اول مذاکره

شده و جهتش هم عرض شد علت اینکه از مطبوعات

باید چهار برابر گرفته شود این است که مطبوعات

خیلی وزین است و کرایه حمل و نقلش خیلی زیاد خواهد شد

بعلاوه کرایه مخفف هم بآنها تعلق نمیگیرد و چهار برابرش

هم مبلغ زیادی نخواهد شد و اگر چنانچه غیر از این باشد

تمام مردم میخواهند مطبوعات خود را بدون تمبر

بفرستند و این يك ضرری برای دولت خواهد بود

باین لحاظ اداره پست مجبور است برای تنظیم و

ترتیب اداره خودش این قرار داد را بگذارد که

مطبوعات را بدون تمبر بفرستند

**حاج شیخ حبیب الله** - این فرمایشی که

آقای مخبر فرمودند مخالف با فصل بمد که ۲۷

است می باشد در فصل ۲۷ نوشته است ( هر گاه

جرایم و مطبوعات و مستوره جات تجارتي و اوراق

کار که از داخله بداخله ارسال میشود دارای شرایط

لازمه که باعث تخفیف کرایه پست است نباشد حقوق

پستی پاکت بآنها تعلق خواهد گرفت)

در این صورت مطبوعات و مستوره جاتی که

دارای شرایط نباشد حقوق پاکت بآنها تعلق میگیرد

و انگهی فرمودند که علت این است که مردم آن

وقت مطبوعات خودشان بدون تمبر بیشتر خواهند

فرستاد بنده عرض میکنم آن نظری را که دولت

در تخفیف کرایه اینها داشته است باید در اینجا

ملعوظ ندارد اگر چنانچه بر خلاف قانون رفتار

کرده باشد ممکن است نوشته شود علاوه بر حق

معمولی يك مقابل دیگر هم گرفته خواهد شد

**مخبر** - اولاً فصل ۲۷ از برای چیز دیگر

نوشته شده است فصل ۲۷ از برای این نوشته شده

است که اگر يك پاکتی را بخواهند باسم مطبوع

بفرستند در حکم مطبوعات نیست که حقوق مخففه

به آنها تعلق بگیرد شرایط مطبوعات معین است

که بچه ترتیب باید باشد اگر به آن ترتیبی که

معین شد، بفرستند البته حقوق مخففه به آنها تعلق

میکیرد ولی اگر به آن ترتیبی که اداره پست معین

کرده است دارای آن شرایط نباشد حقوق پاکتی

به آنها تعلق میگیرد و این که می فرمائید چرا باید

۴ برابر گرفت و این هم باید مثل پاکت دو برابر

گرفته شود برای اینست که پاکت اهمیتش زیاد تر

است وقتی که يك پاکتی را می آورند پیش گیرنده

چون مهم است گیرنده حاضر است دو برابر بدهد

و یا کمتر بگیرد ولی در مطبوعات اینطور نیست و

ممکن است قبول نکنند با این لحاظ اداره پست این

ترتیب را داده که فرستندگان بمطبوعات مجبور

شوند و دیگر مطبوعات را بدون تمبر بفرستند بجهت

این که برای مطبوعات کسی حاضر نیست يك برابر

یا دو برابر را هم بدهد این برای اینست که وقتی

فرستنده فهمید کسی مطبوعات او را قبول نمیکند من

من بعد نخواهد فرستاد

**نایب رئیس** - دیگر مخالفی نیست؟ پیشنهاد

آقای حاج شیخ محمد حسن قرائت میشود

(قسمت اول پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

این اقل راجع بفصل ۲۶ مرتباً دو فقره پیشنهاد

می کنم فقره اولی این که مستورات در فصل مزبور

تبدیل گردد باین کلمات - جرائم و مطبوعات و

مستوره جات تجارتي و اوراق کاری که زمان تحویل

دادن به پستخانه تمبر روی آنها الصاق نشده باشد

حمل و نقل نخواهد شد

**نایب رئیس** - توضیحی دارید بفرمائید -

**حاج شیخ محمد حسن** - نسبت بفصل ۱۷

که مذاکره میشد از گیرنده دو برابر گرفته شود گفتند

اگر يك کسی بخواهد خبر سلامتی خودش را بمحل

خودش برساند و پول نداشته باشد برای اینکه مراعاتی

از او شده باشد این مراسله را بدون تمبر قبول

بکنند و از طرف مقابل و از خانواده اش دو برابر

بگیرند این جزئی مناسبتی هم که در آن ماده بود

( اگر چه مناسبت قانونی نبود ) آن جزئی مناسبت

هم در اینجا نیست و باعث ندارد قبول کنند آنوقت

چهار برابر برای او معین کنند لهذا پیشنهاد اولم

این است بدون تمبر قبول نکنند و چیزی هم برایش

قرار ندهند اگر این پیشنهاد رد شد آنوقت فقره

ثانی قرائت شود .

**نایب رئیس** - رای میگیریم در فقره اول

پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن آقایانی که قابل

توجه میدانند قیام نمایند .

( عده قلیلی قیام نمودند )

**نایب رئیس** - رد شد - قسمت ثانی قرائت

میشود .

( بمضمون ذیل قرائت شد )

فقره ثانیه - لفظ چهار برابر که در فصل مزبور

مستور است مبدل بدو برابر گردد .

**نایب رئیس** رای میگیریم بقسمت ثانی پیشنهاد

آقای حاج شیخ محمد حسن آقایانی که موافقت قیام

فرمایند .

( عده قلیلی قیام نمودند )

**نایب رئیس** - رد شد - رای میگیریم بماده

۲۶ آقایانی که با ماده ۲۶ موافقت قیام فرمایند .

( عده کثیری قیام نمودند و ماده ۲۷

بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده ۲۷ - هر گاه جرایم و مطبوعات و مستوره -

جات تجارتي و اوراق کار که از داخله بداخله

ارسال میشود دارای شرایط لازم که باعث تخفیف

کرایه پست است نباشد حقوق پستی پاکت بآنها

تعلق خواهد گرفت .

**نایب رئیس** - در ماده ۲۷ آقایان نظری

دارند ؟

**شریعتمدار** - خوب است در فصل ۲۷ آقای

مخبر توضیح بفرمائید .

**نایب رئیس** - اشکالتان را بفرمائید تا مخبر

توضیح بدهند .

**شریعتمدار** - در فصل ۲۷ نوشته شده است

( هر گاه جرایم و مطبوعات و مستوره جات تجارتي

و اوراق کار که از داخله بداخله ارسال میشود

دارای شرایط لازم که باعث تخفیف کرایه پست

است نباشد ) این را بنده ملتفت نمیشوم توضیح

بفرمائید که آن شرایط چه چیز است .

**مخبر** - اوراق کار و مطبوعات و مستوره جات

بترتیب پاکت بسته نمیشود و يك ترتیب مخصوصی داود

که باید با نخ به بندند و لفاف بکنند اگر باین

ترتیب بفرستند حقون مخففه بآنها تعلق میگیرد ولی

اگر باین ترتیب بفرستند و بخواهند لاک کنند مهر

کنند و بگویند این بسته مطبوعات یا مستور - جات

است آنوقت حقوق پاکت بآنها تعلق میگیرد .

**نایب رئیس** - رای میگیریم بماده ۲۷ آقایانی

که موافقت قیام نمایند .

( عده کثیری قیام نمودند و ماده ۲۷ تصویب شد )

ماده ۲۸ - در صورتی که جرایم و مطبوعات

و مستوره جات تجارتي و اوراق کار که مبدع و مقصد

آنها در داخله مملکت است در تحت يك لفاف بسته

شده باشد حقوق متعلقه بآن عبارت خواهد بود از

مجموع حقوق متعلقه بهريك از آن اشیاء ولی هر گاه

بمطبوعات صورت حساب آنها نیز منضم نباشد حقوق

مقرر مطبوعات بآن بسته تعلق میگیرد بشرط آنکه

تمام حقوقی که برای آن اداه شده اقلاً مساوی باشد

بکمترین مقدار حقوق اوراق کار که عبارت از شش

شاهی است .

**نایب رئیس** - آقای حاج شیخ یوسف فرمایشی

دارید ؟

**حاج شیخ یوسف** - اگر چه نفهمیدن بنده

يك عبارتی را دلیل بر این نمیشود که سایر آقایان

هم نفهمیده باشند یا عبارت معنی نداشته ولی بنده

عبارت اخیر این ماده را درست ملتفت نشدم خوبست

آقای مخبر محترم کاملاً معنی این ماده را مخصوصاً

جزء اخیرش را توضیح بفرمائید که ( ولی هر گاه

مطبوعات صورت حساب آنها نیز منضم باشد حقوق مقرر مطبوعات بان بسته تعلق میگیرد بشرط آنکه تمام حقوقی که برای آن ادا شده اقل مساوی باشد بکمترین مقدار حقوق اوراق کار که عبارت از شش شاهی است) یعنی چه؟

**مخبر** - در دو سه فصل قبل مخصوصاً نوشته شده بود که حقوق اوراق کار و مطبوعات از قرار ده مثقال دو شاهی خواهد بود چون اوراق کار هم یک سستی از مطبوعات است ولی چون اهمیتش از مطبوعات قدری بیشتر است یک طوری نوشته شده است که بین مراسلات و مطبوعات باشد یعنی مینویسد حقوق اوراق کار برای هر ده مثقال یا کمتر ده مثقال دو شاهی است ولی حداقل حقوق یک بسته نباید کمتر از شش شاهی باشد این چاهم همان را میگوید یعنی اگر بخواهند یک مطبوعی را بفرستند و صورت حساب به آن منضم باشد همان ده مثقال دو شاهی است ولی حداقل حقوق یک بسته همان شش شاهی که از اوراق کار گرفته میشود.

**حاج شیخ یوسف** - راستی نه میبندم بنده میگویم یک استثنائی کرده اند (که هر گاه به مطبوعات صورت حساب آنها نیز منضم باشد حقوق مقرر مطبوعات بان بسته تعلق میگیرد) این یک صورت فرضی است که تصور کرده اند ابداً کسی ملتفت نمی شود و دیگر اینکه در جزء اخیر این ماده نوشته شده است (بشرط آنکه تمام حقوقی که برای آن ادا شده اقل مساوی باشد بکمترین مقدار حقوق اوراق کار که ۶ شاهی است) بنده غرض این صورت را بواسطه بی اطلاعی از امور اداره یستی نمیدانم.

**حاج عز الممالک** - اینجا برای مطبوعات یک حقوق مخففه ما قائل شده ایم بعد تصریح میکند که اگر یک صورت حسابی بان مطبوعات منظم شود باز حقوق مطبوعات به آن تعلق می گیرد و این عبارت برای این نوشته شده است که اشتباه نشود و اگر یک صورت حسابی بمطبوعات منضم شود آن وقت اداره یستی بگوید که این در حکم مطبوعات نیست و باید حقوق معمولی یا کت اداء شود اینجاست تصریح میکند که اگر صورت حساب بمطبوعات منضم شود همان حقوق مطبوعات از آن بسته دریافت میشود ولی یک استثنائی دارد و آن این است که بسته اگر روزش هم کم باشد این حقوق کمتر از ۶ شاهی نخواهد بود اما اگر اضافه باشد همان حقوق مطبوعات را باید بدهد.

**حاج شیخ یوسف** - قانع شدم.

**نایب رئیس** - رای میگیریم بماده ۲۸ آقایانی (عده کبری قیام نمودند و ماده ۲۹ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۹ - یا کت های متعارفی و کارهای یستی و جراید و سایر مطبوعات مستوره جات تجاری و اوراق کار که محل اصلی و مقصد آنها در داخله مملکت باشد و در زمان تعویلی به یست بقدر کفایت

تبر بانها الصاق نشده باشد از گیرنده آنها ۲ برابر قیمت تبرهای کسری دریافت خواهد شد

**نایب رئیس** - در ماده ۲۹ مغالطی نیست؟ اظهاری نشد

آقایانی که ماده ۲۹ را تصویب می کنند قیام نمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب شد - ماده ۳۰ قرائت می شود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۰ - حقوق داخله یستی جراید و مطبوعات و مستوره جات تجاری و اوراق کار که از ممالک خارجه بدون تبر میرسد از قرار ده مثقال یا کسره مثقال شش شاهی است (از گیرنده دریافت میشود) مشروط بر اینکه در قرارداد های بین المللی تعیین این حقوق نشده باشد.

**حاج شیخ یوسف** - بنده گمان میکنم اگر در جزء اخیر این ماده یک عبارت دیگری نوشته شود بهتر است و بنظر بنده باید نوشته شود (مشروط بر اینکه در قرارداد های بین المللی زیادتیر یا کمتر از این حقوق تعیین نشده باشد) والی نوشتن اینکه (در قرارداد های بین المللی تعیین این حقوق نشده باشد) را بنده صحیح و کافی نمیدانم.

**مخبر** - ممکن است در قرارداد های بین المللی زیادتیر از این یا کمتر از این معین کرده باشد ما نمیتوانیم در اینجا تصریح کنیم بجهت اینکه قرارداد بین المللی یک چیزی نیست که بشود برهم زد و آن یک قانونی است که برای تمام ملل تعیین شده است مادامی که در اینجا تعیین نشده از قرار هر ده مثقال یا کسره ده مثقال شش شاهی میگیریم ولی وقتی که آنجا تعیین شده باشد بهمان فراری که آنجا معین شده است میگیریم و از روی همان قرارداد رفتار میشود.

**حاج شیخ یوسف** - آقای مخبر محترم تأیید کردند مرض بنده را بنده با اصل قضیه مخالف نیستم مرض میکنم نوشته شده است که حقوق یستی جراید و مطبوعات که از ممالک خارجه بدون تبر میرسد از قرار هر ده مثقال یا کسره ده مثقال شش شاهی است (مشروط بر اینکه در قرارداد بین المللی تعیین این حقوق نشده باشد) یعنی اگر کمتر یا زیادتیر از این حقوق معین نشده باشد بموجوب قرارداد دولتی خودمان از قرار ده مثقال یا کسره ده مثقال شش شاهی میگیریم اما اگر بنا باشد در قرارداد بین المللی کمتر یا بیشتر از این حقوق تعیین شده باشد آنوقت تکلیف ما چه خواهد بود خوب است آقای مخبر توضیحی بدهند که قانع شویم.

**مخبر** - بنده در اینجا هیچ اشکالی نمی بینم نوشته شده است مشروط بر اینکه همین این حقوق نشده باشد یعنی اگر کمتر نوشته شده باشد همان را میگیریم اگر زیادتیر باشد همانطوریکه در اینجا معین شده گرفته میشود این دیگر توضیح دادن لازم ندارد بنده نمیدانم این چه اشکالی است که آقایانی میفرمایند.

**عدل الملک** - در فصل ۲۹ نوشته بود از گیرنده یا کت های که کسر تبر دارد اضافه و بقیه را می گیرند این ماده یک ماده مستقلی است که می نویسند از

مطبوعاتی که از خارج می آید و تبر ندارد برای هر ده مثقال شش شاهی گرفته می شود اما از کی گرفته میشود معلوم نیست گمان میکنم باید نوشته شود از گیرنده دریافت میشود

**مخبر** - ممکن است بنویسند از گیرنده گرفته می شود

**نایب رئیس** - آقای مخبر قبول می کنند لفظ (از گیرنده دریافت میشود) اضافه شود خوب است توضیح بدهند در کدام نقطه این جمله اضافه شود

**عدل الملک** - باید نوشته شود (از قرار ده مثقال یا کسره ده مثقال شش شاهی است که از گیرنده دریافت میشود)

**نایب رئیس** - در این ماده این اصلاحی که شد و مخبر قبول کردند رای گرفته میشود آقایانی که قبول میفرمایند قیام فرمایند

(عده کبری قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصریح شد - ماده ۳۱ خوانده می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۱ - یا کت ها و سایر مراسلاتی که باسم سفارشی خوانده می شود آنهاست هستند که فرستنده در موقع تعویلی دادن آنها به پستخانه برای اطمینان رسیدن یا کت بمقصد قبض رسید از اداره می گیرد ولی مراسلات سفارشی مشمول وثیمه قیمت خواهد بود بر یا کت ها و سایر اشیا سفارشی علاوه بر حقوق معمولی یستی مبلغ دوازده شاهی بعنوان حق سفارشی تعلق می گیرد ورقه های مخصوص جواب که به کارت پستال ها ملصق و اجرت آنها قبل از وقت تأدیبه شده به توسط فرستندگان اولیه آنها سفارشی نمیشوند

**نایب رئیس** - آقایان نظری ندارند - رای می گیریم در ماده ۳۱ آقایانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند ماده ۳۱ تصویب و)

ماده (۳۲) بمضمون ذیل قرائت شد

ماده ۳۲ - یا کت ها ممکن است مطابق قیمت اظهار شده محتویاتشان بیمه شوند در این صورت علاوه بر اجرت مقرر یا کت ها حقوق بیمه نیز بانها تعلق خواهد گرفت تعیین جنس و اکثر مبلغی که ممکن است بعنوان بیمه قبول شوند با دولت است

**نایب رئیس** - در ماده ۳۳ نظریاتی نیست؟ (اظهاری نشد) پس آقایانی که با این ماده موافقت قیام نمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند و ماده ۳۲ تصویب شد)

ماده ۳۳ - برای هر یا کت بیمه شده و سفارشی یک قبض رسید که زمان تعویلی دادن به یست خانه بفرستنده داده می شود و در زمان توزیع از گیرنده اخذ می گردد پس از تعویلی اشیا سفارشی یا بیمه شده بصاحبان آن و گرفته رسید دیگر بهیچوجه یست خانه مسئولیتی ندارد و گیرنده این قسم یا کت ها نمیتواند تقاضا کند که یا کتش در پستخانه باوداده شود و در حضور شهودی که خود او معین میکند باز شود

**نایب رئیس** - در ماده ۳۳ نظریاتی نیست؟

**حاج عز الممالک** - بنده اینجا یک توضیحی از آقای مخبر میخواهم اینجا مینویسد (پس از تعویلی اشیا سفارشی یا بیمه شده بصاحبان آن و گرفته رسید

دیگر بهیچوجه یست خانه مسئولیتی ندارد) دیگر نمی نویسند اگر یا کتی مفقود شد مسئولیت پستخانه چیست خوب بود در این قانون یک چیزی بود که این مطلب را تصریح میکرد و حالا نیست خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که در این صورت ترتیب چه خواهد بود

**مخبر** - در باب سوم که مسئولیت اداره یست را معین میکنند نوشته شده که اگر یا کتی کم شد اداره یست چه فرامتی باید بدهد

**نایب رئیس** - دیگر در این ماده اشکالی نیست رای میگیریم در ماده ۳۳ آقایانی که موافقت قیام نمایند

(اغلب قیام نمودند)

ماده ۳۴ - یا کت ها و سایر اشیا رسوله ممکن است بر حسب خواهش فرستنده توسط حامل مخصوص بگیرنده داده شود باین قسم مراسلات (که موسوم برسولات مخصوصه هستند) علاوه بر حقوق مقرر یک اجرت مخصوصه نسبت جنس بانها تعلق میگیرد که تعیین مقدار و شرایط آن با اداره یست است

**نایب رئیس** - نظریاتی هست؟

**سردار سهراب** - ممکن است آقای مخبر توضیح بدهند که حامل مخصوص همان مأمورین اداره یست هستند یا غیر از آنها کسی هست

**مخبر** - بله یک مأموری خواهد بود که غیر از مأمورین اداره یست است وقتی که بنده بخواهم یا کت من بطور خصوصی بمن برسد باید یک نفر را علاوه بر آن فراش های موزع معین کنند و یک حقوقی هم باو بدهم که یا کت های مرا برساند باین جهت حامل مخصوص اسم برده شده

**حاج شیخ یوسف** - بنده از توضیحی که آقای مخبر دادند رقم شکالم نشد با اصل ماده مخالف چون هیچ فلسفه برای این ماده قانون تصور نمی کنم بجهت اینکه مرسوم مملکتی است که وقتی یک یا کتی یست خانه میرسد بپستخامین رسمی و فراشان یست داده میشود که بصاحبانش برسانند حالا اگر بخواهند در این موضوع فراری بکنند در بعضی مواقع مأمور دیگری تهیه کنند بنده هیچ صحیح نمیدانم.

**مخبر** - این ماده از برای این نوشته شده که مثلا یک نفر از طهران یک کافه بیکی از دهات قم می نویسد این یا کت در اینجا میماند چون اداره یست نمیتواند کافه را بدو فرسخی قم برساند در این صورت باید یک حامل مخصوص بگیرد که آن یا کت را برساند و البته از برای این قبیل یا کت باید یک حق دیگری دریافت شود.

**نایب رئیس** - آقای محمد هاشم میرزا موافقت؟

**محمد هاشم میرزا** - بله عرض بنده هم همین بود.

**حاج شیخ یوسف** - قانون باید کاملاً مصرح باشد فرض میکنم وقتی که مراسلات بقم میروند راجع بیک جایی است که خارج از حدود یست است یعنی مأمور یست بطریق معمول آنجا نمیرود که یک نفر را از قم بفرستیم که آن یا کت را بیک جای دیگر ببرد در این صورت این عبارت مطلق است و ابهام دارد و بموقع خاصی تصریح نمی شود که یک حقوقی از برای حامل قرض کنیم باید قانون تصریح داشته

باشد که در مواقع معینه اینطور خواهد بود و الا اگر برسبیل مطلق باشد اگر بخواهیم از اینجا باصفهان هم کافه بفرستیم شامل او هم میشود

**محمد هاشم میرزا** - با این توضیحی که مخبر دادند تصور نمیکند دیگر توضیحی لازم داشته باشد در اینجا نوشته شده است (بر حسب خواهش فرستنده) آن فرستنده البته تکلیف خود را بهتر میدانند اگر بدانند که در آن شهر یک همچو ترتیبی لازم است آن اجرت را میدهد و الا اگر بدانند به معین ترتیب معمولی که یا کت ها میرسد یا کت او هم میرسد یک همچو اجرتی را نمیدهد و چون باختیار فرستنده است دیگر لازم نیست ما تکلیف برایش معین کنیم و هر کس صلاح خود را بهتر میدانند مثلا بنده در همین تهران میخواهم یک کسی را در یست خانه مرکزی معین کنم که کافه های مرا بدهند باو و شخصاً بدون واسطه بیاورد دیگر نمیدانم این چه اشکالی دارد.

**نایب رئیس** - رای میگیریم بماده ۳۴ آقایانی که با این ماده موافقت قیام نمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

(ماده ۳۵ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۵ - فرستندگان مراسلات سفارشی یا بیمه شده یا مخصوصه که در داخله مملکت توزیع میشود در موقعی که مراسلات مذکور را بپستخانه تعویلی میدهند میتوانند خواهش نمایند ملتمسه بامضای گیرنده پس از تسلیم گرفته بانها داده شود در این صورت باید مبلغ شش شاهی قبل از وقت از این بابت بپستخانه بپردازند برای تحقیقات در خصوص اشیا سفارشی یا بیمه شده یا مخصوصه که از داخله پستخانه ارسال می شود نیز همین مبلغ شش شاهی باید اداء شود و این در صورتی است که نرخ معین ملتمسه پرداخته نشده باشد.

**نایب رئیس** - در ماده ۳۵ مغالطی هست؟

**سردار معظم** - در شور اول بنده پیشنهادی کردم و قرار شد در عوض (یا کت های مخصوصه) نوشته شود (یا کت های فوری که توسط جای مخصوص فرستاده میشود) حالا باز این ماده همان طور برگشته و آن اشکال اولی هنوز باقی است باید ابتدا در قانون برای یا کت های مخصوصه یک تصریحی قائل شد و الا معلوم نمی شود کدام قسم یا کت را مخصوصه می گویند.

**مخبر** - اگر آقای سردار معظم درست ملاحظه فرمایند وقتی در کمیسیون تشریف آوردند مذاکره شد که در این ماده نمیشود این مطلب را تصریح کرد و قرار شد در ماده قبل تصریح شود و تصریح هم شد و نوشته شد (یا کت ها و سایر اشیا رسوله ممکن است بر حسب خواهش فرستنده توسط حامل مخصوص بگیرنده داده شود باین قسم مراسلات که موسوم برسولات مخصوصه هستند) چون در آنجا قید شده است دیگر نباید در اینجا مجدداً ذکر شود

**سردار معظم** - بله صحیح است.

**نایب رئیس** - پس رای میگیریم بماده ۳۵ آقایانی که ماده ۳۵ را تصویب می کنند قیام نمایند

(اغلب قیام نمودند ماده ۳۵ تصویب و ماده ۳۶ بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۳۶ - اداره یست با تصویب دولت اجرت

و حقوقی را که از بابت فقرات ذیل باید برای دولت دریافت گردد و همچنین شرایط و ترتیبات لازمه راجع به آن را معین خواهد نمود

اولاً - مسافرین و بنه آنها

ثانیاً - امانات یستی سریع السیر و امانات بطی السیر

ثالثاً - مراسلات بیمه شده

رابعاً - پروات یستی (مانند یست خامساً - کرایه جعبه های شخصی که در دفاتر یست موجود و برای جمع شدن مراسلات مستعمل است اجرت و حقوقی که از بابت فقرات مذکور باید دریافت شود در روزنامه رسمی مملکت اعلان خواهد شد اداره یست شرایط تعویلی و توزیع مراسلات بیمه شده و سفارشی و مخصوصه و پروات یستی را معین خواهد کرد

**نایب رئیس** - در این ماده مغالطی نیست؟

**حاج شیخ محمد حسن گروسی** - تصور میکنم این جمله که نوشته شده است (همچنین شرایط و ترتیبات لازمه راجع به آن را معین خواهد نمود) همین مکفی است جمله اخیر که در ذیل می نویسند (اداره یست شرایط تعویلی و توزیع مراسلات بیمه شده و سفارشی و مخصوصه و پروات یستی را معین خواهد کرد) بجهت اینکه همان ترتیبات لازمه این جمله اخیر را می پروراند و این جمله اخیر دیگر لازم نیست

**مخبر** - اینجا کنوشته شده (شرایط و ترتیبات لازمه را معین خواهد نمود)

این از برای مسافرین و بنه مسافرین و امانات سریع السیر و بطی السیر است اولی در اینجا کنوشته شده است (اداره یست شرایط تعویلی و توزیع مراسلات بیمه شده و سفارشی و مخصوصه و پروات یستی را معین خواهد کرد) هیچ بطی بانها ندارد و باید از برای هر کدام از اینها نظامنامه مخصوصی بنویسد که مطابق آن نظامنامه اداره یست بتواند عمل کند بجهت این که در واقع احازم ای است که با اداره یست داده میشود که خودش بتواند ترتیب آن نظامنامهها را بدهد و عمل کند که اسباب اشکال نباشد

**حاج شیخ محمد حسن** - اینجا در اول نوشته است که (شرایط و ترتیبات لازمه را معین خواهد نمود) این ترتیبات لازمه راجع بتمام فقرات یعنی کلیه آن چیزهایی که در ذیل میباشند و این عبارت جمله اخیراً می پروراند دیگر میدانم ترتیبات راجع بان چه نقصانی دارد که محتاج شویم مکرر کنیم و دوباره بنویسیم (اداره یست شرایط تعویلی و توزیع مراسلات بیمه شده و سفارشی و مخصوصه و پروات یستی را معین خواهد کرد) آن جمله اول خود یک جمله است که شامل تمام اینها خواهد بود

**مخبر** - در فقراتی که در اول ماده نوشته شده هیچ شرایط تعویلی و توزیع را ذکر نکرده اینجا از برای ترتیب توزیع مراسلات بیمه شده و غیره اداره یست میخواهد یک نظامنامه معین کند که هر روز گرفتار فشار مردم نباشد ممکن است من امروز بروم با اداره یست و بگویم یا کت مرا اینطور باید تعویلی و توزیع کنی و فردا دیگری برود و طور دیگر بگوید اما وقتی که قانون اجازه داد که اداره یست حق دارد شرایط تعویلی و توزیع مراسلات را معین کند آن نظامنامه را

خواهد نوشت و موافق همان اجراء خواهد کرد و آن ( ترتیب لازم که در اول ماده نوشته شده ) هیچ ربطی بترتیب تحویل و توزیع ندارد و این راجع به تحویل و توزیع است که چطور باید رفتار شود .

**حاج شیخ محمد حسن** - بنده عرض میکنم هر ترتیبی که ما خواسته باشیم رفتار کنیم در این نقطه ( شرایط و ترتیب لازم را معین خواهند نمود ) میتوانیم بکنجانیم و بگوئیم که این عبارت شامل آنها میشود لهذا پیشنهاد میکنم که این جزء اخیر حذف شود .

**مقید الاسلام** - آقا اشتباه فرموده اند جمله اول ترتیب اجرت را معین میکنند و جمله دوم ترتیب توزیع را معین میکنند و اشکالی ندارد .

**نایب رئیس** - ماده دیگر خوانده میشود تا پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن برسد .

(ماده ۳۷ بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۷ - حقوقی را که گیرندگان مرسولات پستی بیست خانه باید قبل از دریافت مرسول اداء نمایند گیرندگان مرسولات میتوانند در موقعی که مرسول نزد آنها برده می شود از قبولش امتناع کنند ولی مشروط بر اینکه از محتوی آن مطلع نشده و سرش را باز نکرده باشند بعضی اینکه مرسولی بیست خانه تحویل داده شد قیمت تمبریکه روی آن الصاق شده است عاید خزانه دولت میگردد

**اعزاز السلطنه** - تصور میکنم این ماده اصلاح هیارتی لازم داشته باشد بجهت این که مبنویسد (حقوقی را که گیرندگان مرسولات پستی بیست خانه باید قبل از دریافت مرسول اداء نمایند گیرندگان مرسولات می توانند ) گیرندگان مرسولات در دوجا نوشته شده است و لازم است در یک جا نوشته شود تا ملاحضات انشائی داشته باشد

**مخبور** - آقای اعزاز السلطنه که خودشان عضو کمیسیون هستند خوب بود این ملاحظه انشائی را در کمیسیون میفرمودند

**نایب رئیس** - در هر صورت این جا هم میتوانند اظهار کنند این نظر است که در اینجا برایشان پیدا شده و میتوانند اظهار کنند

**مدرس** - این عبارت که نوشته شده ( ولی مشروطه بر اینکه از محتوی آن مطلع نشده ) گمان می کنم لازم نیست و نباید نوشت باید نوشته شود (ولی مشروط بر اینکه سرش را باز نکرده باشد ) ممکن است بفریند و حدس از محتوی او مطلع شود اما وقتی که سرش را باز کرد دیگر نباید از او قبول شود اما اگر باز نکرد و بعدس چیزی استنباط کرد انجا چیزی باو تعلق نمی گیرد لهذا اگر آقای مخبر قبول بفرمایند آن جمله (ولی مشروط بر اینکه از محتوی آن مطلع نشده ) را بیان نازند و بنویسند (مشروط بر اینکه سرش را باز نکرده باشد)

**رئیس** - آقای مخبر قبول دارید **مخبور** - بله قبول دارم (مجدداً ماده مزبور با اصلاحی که آقای مدرس تقاضا کرده بودند قرائت شد)

**نایب رئیس** - رای میگیریم بماده ۲۷ بطوری که اصلاح شده است آیا نیگه موافقتند قیام نمایند (عده کبیری قیام نمودند)

**نایب رئیس** - اکثریت است تصویب شد - پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن راجع بماده ۳۶ کرده اند قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد مینمایم که جمله (اداره پست شرایط تحویل و توزیع الی آخر) از ماده ۳۶ حذف شود

**نایب رئیس** - توضیحی دارید

**نایب رئیس** - پس رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد - آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند

**حاج شیخ محمد حسن** - توضیح داده شد

**نایب رئیس** - پس رای میگیریم باصل ماده ۳۶ بطوریکه قرائت شد آقایانیکه تصویب میفرمایند قیام خواهند فرمود

اغلب قیام نمودند

**نایب رئیس** - تصویب شد - ماده ۳۸ قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۸ - اداره پست با اجازه دولت تمبر های پستی و کارت های پستی و پاکت ها و نوارها که علامات حقوق پستی هستند بقیمت های مختلف طبع و نشر مینمایند و نیز میتوانند حدی برای مدت اعتبار تمبر و کارت های پستی و پاکت ها و نوارهای پستی معین نمایند و مدت و شرایط تأدیه قیمت با ماموضه آنها را معین کنند

**حاج شیخ اسدالله** - بعد از اینکه ماده ۱۴ حذف شد و یک ماده امروز راجع بطبع تمبر پستخانه و علائمی که روی پاکت میخورند پیشنهاد کردند که از وظایف وزارت مالیه است بنده تصور می کنم در این ماده امروز نمی شود مذاکره کرد

و رای گرفت این ماده باید بماند تا وقتی که آن ماده که پیشنهاد شده و راجع بکمیسیون شده بر گردد و مطابق آن ماده یعنی زمینه که بدست می دهند آن ماده هم اصلاح شود والا نمی شود امروز رای داد

**مخبور** - عرض میکنم این يك كلمه نوشته شده که رفع آن اشکال را میکنند نوشته شده است اداره پست با اجازه دولت اینکار را می کند و چون آقای حاج عزالمالک پیشنهاد کردند که طبع و تهیه تمبر با وزارت مالیه باشد ممکن است همان وزارت مالیه اداره پست اجازه بدهد خود اداره پست اینکار را بکند پس خود اداره پست نمی توان اینکار را بکنند

باید با اجازه دولت باشد ما نوشته ایم با اجازه اگر اجازه نداد این حق طبعاً از اداره پست ساقط است و بنده اشکالی نمی بینم

**حاج عزالمالک** - بنظر بنده این ماده باید بر گردد بکمیسیون آن پیشنهادی که شد باید یک قسمت عده این ماده مخالف است ولی از آنطرف باید تصدیق کرده که بعضی قسمت های این ماده هم در قانون باید نوشته شود در این صورت بنده تصور میکنم خوب است آقای مخبر قبول بفرمایند که این ماده بر گردد به کمیسیون قسمتی که راجع به امور اداره پستی است حتماً باید در اینجا نوشته شود ولی قسمتی که راجع بطبع است مطابق آن پیشنهاد باید از این ماده حذف شود در اینصورت در این ماده حالا نمی توانیم رای بدهیم و به میتوانیم اصلاح فوری کنیم پس هم طوری که گفته شد خوب است بر گردد بکمیسیون اصلاح شده و مجدداً بمجلس بیاید

**مخبور** - قبول میکنم که بر گردد بکمیسیون

**نایب رئیس** - پس ارجاع میشود بکمیسیون ماده ۳۹ قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۹ - دولت میتواند اجازه حمل مجانی بمکاتبات اداراتی بدهد که متضمن منافع عمومی است تعیین حدود و شرایط عمل نیز بدولت است

**حاج شیخ حبیب الله** - میفرمایند (دولت میتواند اجازه حمل مجانی بمکاتبات اداراتی بدهد که متضمن منافع عمومی است) چون مکاتبات بعضی ادارات منافع عمومی ندارد منافع عمومی در جراید و مطبوعات است پس حالا که بنا شد این اجازه بدولت داده شود است پس حالا که بنا شد این اجازه بدولت داده شود و آنهم مفید باشد به اینکه منافع عمومی داشته باشد ولی حالا اگر دولت بخواهد به بعضی ادارات که منافع عمومی نداشته باشند و منافع خصوصی داشته باشند اجازه بدهد چه مانع دارد که مطلقاً بتواند بپردازد و مطبوعات اجازه بدهد

**عزل المالک** - عرض میکنم در موادی که لازم بود تخفیف داده شود تصریح شد و آنهم در جراید و مطبوعات بود اما این که اجازه دولت منحصر بمکاتبات شده است برای اینست که حقوقی که بجهت مکاتبات و اوراق اغلب ادارات داده میشود باید از دولت داده شود و باز در يك گردش اداری بدولت عاید میشود و چون این عمل مکرری است لهذا يك چنین ماده نوشته شده است و اینکه يك اداره از حقوق پستی معاف میشود برای اینست که بر فرض مخارج پستی را هم بدهد باز عاید دولت میشود

**حاج شیخ اسدالله** - بنده تصور می کنم که در این ماده اختیارات دولت را يك قدری کم کرده ایم در اینجا نوشته شده است (دولت میتواند اجازه حمل مجانی بمکاتبات بدهد) پس معلوم میشود بجز از مکاتبات دولت نمی تواند اجازه حمل مجانی بدهد و منحصر بمکاتبات خواهد بود و حال این که عقیده بنده غیر از این است باید يك اختیاری بدولت داد که بجز از مکاتبات هم بتواند در موقع لزوم اجازه بدهد بسا میشود که دولت يك اسبابی یا واضعتر عرض کنم مثلاً ده عدد تفنگ میخواید به کرمان بفرستد این را میخواید بداره پست بدهد که زود برسد اداره پست هم راه را با يك کتیانی کتترت کرده است آنوقت دولت باید بمقتضی این ماده وجهه کرایه او را بدهد و بموجب این ماده پست خانه میتواند امتناع کند و حمل نکند مگر اینکه کرایه او را بگیرد بنده تصور میکنم که باید اختیار دولت را يك قدری در اینجا زیاد تر کنیم و علاوه بر مکاتبات يك اختیاری فوق آن داده شود که دولت بتواند به اسلالت و مجمولات در هر موقعی که صلاح دانست اجازه حمل مجانی بدهد و دستش باز باشد که اگر يك موقعی برای دولت پیش آمد بتواند بنسب پست بدون کرایه يك چیزی را که حمل صاحبش است حمل کند

**حاج عز المالک** - بنده عرض میکنم اینطور نباید آزاد کرد که دولت هر چیزی را اجازه داد اداره پست حمل کند اینطور نیست و عقیده بنده اینست که لازم است و باید راجع بمکاتبات اداراتی باشد که دارای منافع خصوصی نباشد باید اداراتی باشد

**حاج شیخ اسدالله** - عرض میکنم در موادی که پستی و کارت های پستی و پاکت ها و نوارها که علامات حقوق پستی هستند بقیمت های مختلف طبع و نشر مینمایند و نیز میتوانند حدی برای مدت اعتبار تمبر و کارت های پستی و پاکت ها و نوارهای پستی معین نمایند و مدت و شرایط تأدیه قیمت با ماموضه آنها را معین کنند

**حاج شیخ محمد حسن** - در اینجا نوشته است ( تعیین حدود و شرایط حمل فوق نیز با دولت است ) مراد از عمل فوق گویا آن چیزی است که در فصل سابق نوشته توضیح بفرمایند مراد از عمل فوق چیست

**نایب رئیس** - نظر تان همین است ؟

**حاج شیخ محمد حسن** - همین است - اگر همین است بطور ابهام بنویسد باید بطوری نوشته شود که ذکرش در اینجا کفایت کند ولی چون در آنجا مفصل نوشته اند این جزء را باید ملغی بدارند و این جزء لزومی ندارد که مکرر نوشته شود ( تعیین حدود و شرایط عمل فوق نیز با دولت است )

**نایب رئیس** - اصلاحی دارید پیشنهاد کنید آقای حاج شیخ حبیب الله پیشنهادی کرده اند قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که فصل ۳۹ اینقسم نوشته شود : دولت میتواند اجازه حمل مجانی بمرسولات و مطبوعات و مکاتباتی که صلاح بدانند بداره پست خانه بدهد

**نایب رئیس** - يك پیشنهادی هم از آقای مدرس رسیده است قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که ماده ۳۹ چنین نوشته شود هیئت دولت میتواند اجازه حمل مجانی باشائی که متضمن منافع عمومی است بدهد تعیین حدود و شرایط او بدولت است

**نایب رئیس** - آقای حاج شیخ حبیب الله راجع به پیشنهاد خودتان توضیحی دارید

**حاج شیخ حبیب الله** - علت اینکه دولت میتواند اجازه حمل مجانی بمکاتبات ادارات بدهد علت را (منافع عمومی) ذکر کرده است و مینویسد دولت میتواند اجازه حمل مجانی بمکاتبات اداراتی که متضمن منافع عمومی است بدهد پس در اینصورت هر جا که منافع عمومی دارد و دولت صلاح بداند میتواند اجازه بدهد از اینجهت راهی نداریم که حدی قرار بدهیم و اجازه را منحصر بمکاتبات کنیم فرمایشی که آقای حاج عزالمالک فرمودند که بسا هست دولت

که منافع عمومی داشته باشد که دولت در این حدود بتواند اجازه بدهد اما این اشکالی را که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند و يك چیزی گفتند که در اذهان خوب میآید ( مثلاً يك عده تفنگ شاید لازم باشد بکرمان بفرستد و ما هم راه بدهیم اداره پست مجاناً ببرد همان موقع هم دولت میتواند پولی از این دست بدهد و از آن دست بگیرد یعنی از اداره خزانه اش اداره پست خودش بدهد و بار پس بگیرد این چه ضرر خواهد داشت ؟ به علاوه چیزهای دیگری را منع می کند و الا ممکن است مامورین دولت تمام مکاتبات و اشیا خصوصی خودشان را مجاناً حمل کنند و یا این که بغواش و التماس احکام بگیرند که مثلاً من مامور فلان نقطه هستم و دولت اجازه بدهد مجانی بروم بکرمان و دولت هم اجازه بدهد و آن وقت امور اداره پست مختل شود و مجبور شود مردم را مجاناً حمل کند پس باید بمکاتبات محدود گردد و در سایر مواقع اگر لازم شد دولت پول را از يك اداره بدارد دیگرش بدهد

**حاج شیخ محمد حسن** - در اینجا نوشته است ( تعیین حدود و شرایط حمل فوق نیز با دولت است ) مراد از عمل فوق گویا آن چیزی است که در فصل سابق نوشته توضیح بفرمایند مراد از عمل فوق چیست

**نایب رئیس** - نظر تان همین است ؟

**حاج شیخ محمد حسن** - همین است - اگر همین است بطور ابهام بنویسد باید بطوری نوشته شود که ذکرش در اینجا کفایت کند ولی چون در آنجا مفصل نوشته اند این جزء را باید ملغی بدارند و این جزء لزومی ندارد که مکرر نوشته شود ( تعیین حدود و شرایط عمل فوق نیز با دولت است )

**نایب رئیس** - اصلاحی دارید پیشنهاد کنید آقای حاج شیخ حبیب الله پیشنهادی کرده اند قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که فصل ۳۹ اینقسم نوشته شود : دولت میتواند اجازه حمل مجانی بمرسولات و مطبوعات و مکاتباتی که صلاح بدانند بداره پست خانه بدهد

**نایب رئیس** - يك پیشنهادی هم از آقای مدرس رسیده است قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که ماده ۳۹ چنین نوشته شود هیئت دولت میتواند اجازه حمل مجانی باشائی که متضمن منافع عمومی است بدهد تعیین حدود و شرایط او بدولت است

**نایب رئیس** - آقای حاج شیخ حبیب الله راجع به پیشنهاد خودتان توضیحی دارید

**حاج شیخ حبیب الله** - علت اینکه دولت میتواند اجازه حمل مجانی بمکاتبات ادارات بدهد علت را (منافع عمومی) ذکر کرده است و مینویسد دولت میتواند اجازه حمل مجانی بمکاتبات اداراتی که متضمن منافع عمومی است بدهد پس در اینصورت هر جا که منافع عمومی دارد و دولت صلاح بداند میتواند اجازه بدهد از اینجهت راهی نداریم که حدی قرار بدهیم و اجازه را منحصر بمکاتبات کنیم فرمایشی که آقای حاج عزالمالک فرمودند که بسا هست دولت

خواهش بکنید باینکه در اینجا قید دارد که تعیین حدود و شرایط بادل است آنوقت کسی بغواش نمیتواند صلاح بدهد

**نایب رئیس** - آقای حاج عزالمالک اظهار نکردند که دولت خواهش میکنند

**حاج شیخ حبیب الله** - عرض کردم - عرض کردم از دولت خواهش بکنند

**نایب رئیس** - بسیار خوب رای میگیریم آقایانی که با پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله موافقتند قیام نمایند

(عده کبیری قیام نمودند)

**نایب رئیس** - ردهش پیشنهاد آقای مدرس مجدداً قرائت میشود و رای میگیریم

(مجدداً بضمون فوق قرائت شد)

**نایب رئیس** - توضیح دارید بفرمائید ؟

**مدرس** - این پیشنهاد از جهت لفظ باماده دو فرق دارد یکی آنکه دولت نوشته اند و باید هیئت دولت نوشته نشود این اهمیتی ندارد یکی دیگر آنکه همانطور که فرمودند عبارت (حمل فوق) لازم نیست و لکن در اصل مطلب بعضی آقایان فرمایش فرمودند که دولت از این جیب خودش بیرون میآورد و بآن جیب خودش میدهد حالا که اینطور است چه اهمیت دارد که نتواند اجازه بدهد این مسئله تا حال اینطور بوده است که هر اداره در مقام حفظ حقوق خودش بوده باین معنی که اگر يك چیزی از يك وزارت خانه مستقلی بداره پست ببرد اداره پست تا وقتی که پول آن را نگیرد قبول نمیکند پس محتاج میشود بيك وجه نقدی که آن اداره باین اداره بدهد و آنوقت این اداره در آخر سال یا آخر سال حسابش را بجزانده بپردازد پس بنا براینکه صاحب هر دو اداره يك است و دولت است چه فرق میکند که امروز بيك چیزی که محل احتیاج عمومی است اجازه بدهد و محتاج بدادن پول نباشد و اجازه که از طرف دولت میرسد اداره پست آنرا سند قرار بدهد بمباراة آخری اجازه دولت بمرتله پولی است که بجهت سهولت برای حمل و نقل بیا داده شود و گمان میکنم هیچ فرق نمیکند اهم از اینکه پول بدهد یا اجازه بجهت اینکه اجازه دولت بمقتضای این قانون حکم پول را دارد بنا براین بنده در این جا هیچ معظوری نمی بینم اسباب اشکال هم نمیشود اما آن امتعه چه باشد باید نوشت هر چیزی که محل احتیاج عمومی است اهم از اینکه کافد یا غیر کافد یا هر چه باشد

**نایب رئیس** - آقای مخبر این پیشنهاد را قبول دارید بکمیسیون رجوع شود ؟

**مخبور** - خیر

**نایب رئیس** - پس رای میگیریم به پیشنهاد آقای مدرس آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میفرمایند قیام نمایند

(عده کبیری قیام نمودند)

**نایب رئیس** - پس رای میگیریم باصل ماده آقایانی که این ماده را تصویب مینمایند قیام نمایند ( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

**نایب رئیس** - اکثریت است - تصویب شد - چرا از برای هر يك من یا نازده قران غرامت میدهد

( در اینموقع حضار برای تنفس خارج شده و بعد از ۱۵ دقیقه مجدداً جلسه تشکیل و ماده ۴۰ قانون پستی بضمون ذیل قرائت شد )

باب سوم مسئولیت

ماده ۴۰ - اداره پست مسئول کلیه وجوهی است که بجهت پروات پستی باو داده میشود

**نایب رئیس** - در ماده چهلم مغالطی هست ؟ ( اظهاری نشد ) رای میگیریم آقایانی که با این ماده موافقتند قیام نمایند

(عده کبیری قیام نمودند)

**نایب رئیس** اکثریت است تصویب شد ماده ۴۱ قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۱ - در صورتی که تمام یا جزئی از پاکتها و مرسولات پسته شده مفقود شود اداره پست مسئول قیمت مقدار مفقود یا میزان مبلغ بیمه شده میباشد

**نایب رئیس** - در این ماده هم آقایان نظری ندارند ؟ آقای حاج سید رضا فرمایشی دارید ؟

**حاج سید رضا** - خیر عرضی ندارم

**نایب رئیس** - پس رای میگیریم بماده ۴۱ آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند

( غالب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - تصویب شد - ماده ۴۲ قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۲ - در صورتیکه تمام یا جزئی از يك امانت بیمه شده مفقود شود یا اینکه تمام یا جزئی از محتوی آن خراب وضایع گردد اداره پست متعهد و ملزم است که در ازای هر يك من مال الجارحه مفقود یا ضایع شده مبلغ یا نازده قران غرامت بپردازد ضایع شده مبلغ یا نازده قران بمشروع فرات بصاحب امانت کار سازی نماید بر حسب قاعده مطالبه ان فرات باید توسط فرستنده از پست خانه یا مرکز ایالتی پستخانه باشد که آنجا امانت تحویل داده شده است ولی گیرنده امانت هم میتواند مطالبه جبران ضرر را از پستخانه مقصد یا مرکز ایالتی آن بنماید مشروط بر اینکه از فرستنده يك اجازه نامه در دست داشته باشد همینکه مبلغ بیمه شده یا فرات معینه در ایننامه بصاحب امانت ادا شد تمام حقوق مشارالیه از این بابت بداره پست تعلق خواهد گرفت صاحب امانت قبل از وصول وجه غرامت مجبور است اداره پست را از چنین محتوی امانت مفقوده مستحضر بدارند و حتی الامکان بواسطه اطلاعات شخصی موجبات تسهیل تفحص و تجسس آن را فراهم آورد

**نایب رئیس** - در این ماده نظریاتی هست ؟

**حاج شیخ حبیب الله** - میفرمایند ( اداره پست متعهد و ملزم است که از برای يك من مال الجارحه مفقود شده یا ضایع شده یا نازده قران غرامت بدهد ) پس معلوم میشود بعلت این غرامت که اداره پست معین کرده خودش را ضامن میدانند اگر ضامن است چرا از برای هر يك من یا نازده قران غرامت میدهد

واگرمضامن نیست چرا غرامت میدهد چون يك وقتی هست که قیمت آن مال مفقود یا ضایع شده کمتر از ۱ قران است و يك وقت هست که بگم زعفران است اگر بناست غرامت بدهد چرا تمام یا نصف قیمت آن را نمی دهد اگر نباید غرامت بدهد بیکم ۱۵ قران را برای چه میدهد این علتش چیست؟

**مخبر** - اگر بیکم زعفران باشد ممکن است قیمت بگذارد و حق الضمانه بدیم آن وقت پس از مفقود شدن تمام قیمتش را از اداره پست بگیرد وقتی که نباشد اداره پست حق الضمانه نگرفت و صاحب مال غرامت مال خودش را آتش بزند آن وقت باید راضی شود همان يك من یا نوزده قران را بگیرد البته شخص فرستنده وقتی بخواد تمام غرامت را بگیرد باید قیمت بگذارد و وجه الضمانه را بدهد تا تمام غرامت باوداده شود وقتی که حق الضمانه نداد چه حقی دارد.

**حاج شیخ حبیب الله** - بنده از علتش سؤال کردم اینجا میفرماید اداره پست غرامت میدهد علتش چیست است که باید غرامت بدهد؟ حالا که بنا است غرامت بدهد لابد مسئولیتی برای خودش قائل شده است در این صورت باید تمام آن غرامت را بدهد.

**عبد الملک** - اداره پست این غرامت را هر قدر در نظر بگیرد آقای حاج شیخ حبیب الله همین اعتراض را خواهند کرد پس خوب است حدی را که خودشان در نظر گرفته معین بفرمایند تا بنده همین اعتراض ایشانرا بکنم.

**حاج شیخ حبیب الله** - آقا میفرمایند بنده معین کنم اگر به تعیین ما است باید بعد از اینکه معلوم شود اداره پست خانه آن مال را تفریط کرده است تمام غرامت را بصاحب امانت کارسازی نماید و از عهده تمام برآید و اگر تفریطی نکرده هیچ لازم نیست غرامت بدهد.

**نایب رئیس** - گویا مذاکره کافی است رای میگیریم.

**مدرس** - بنده پیشنهادی دارم.  
**نایب رئیس** - پس ماده ۴۳ خوانده میشود تا پیشنهاد آقای مدرس برسد.

(بعضون ذیل خوانده شد)  
ماده ۴۳ - علاوه غرامت های مذکوره در دو ماده (۴۱ و ۴۲) اداره پست گریه راهم که برای امانات مفقوده دریافت کرده است بفرستنده مسترد میدارد در صورت فقدان يك شئی سفارش اداره پست ملتزم است که بفرستنده یا گیرنده آن غرامت ذیل را بپردازد.

اولا - مبلغ بیست و پنج قران برای مرسولات سفارشی داخله.  
ثانیا - غرامتی که در قرارداد های بین المللی تعیین شده است در صورتی که مرسول سفارشی راجع به معامله بین المللی باشد.

**نایب رئیس** - در این ماده آقایان نظری دارید؟ ( اظهاری نشد ) رای میگیریم بماده ۴۳ آقایانی که موافق هستند قیام نمایند ( عده کثیری قیام نمودند )

**نایب رئیس** - تصویب شد - ماده ۴۴ قرائت می شود.

(بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۴ - در موانع این اداره پست مسئولیت های مذکوره در ماده ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ را بعهده نمی گیرد.

اولا - در صورتی که اداره پست در یکی از محاکم رسمی ثابت نماید که قیمت امانت بیمه شده از روی تقلب بیشتر از قیمت حقیقی آن اظهاری شده است **نایب رئیس** - در جزو اول این ماده ایرادی هست؟

**معتصم السلطنه** - اداره پست برای خودش حقی معین میکند که اگر تقلب را معین کرده مسئولیت از او سلب میشود و در این صورت باید اداره پست تعیین این تقلب را بکنند پس باید قائل شد که اداره پست قبلا حق دارد امانت را تفتیش کند و الا اگر فرضاً يك شخصی قیمتی برای يك امانتی معین کرد و آن امانت مفقود شد اداره پست از چه راه میتواند معین کند که قیمت آن مطابق واقع نبوده ممکن است متحمل آن امانت خواهد باشد و ممکن است سنگ باشد در این صورت بنده راهی نمیدانم که چطور تقلب آنرا معین خواهد کرد و تصور میکنم این ماده حق میدهد که مردم پس از آنکه امانتشان مفقود شد هیچوقت موفق بگرفتن غرامت نشوند عقیده بنده این است که این ماده بکلی در این جا زائد است.

**مخبر** - اداره پست البته حق خواهد داشت در حضور فرستنده باز شدن يك امانتی نخواهد بجهت اینکه بعضی چیزها است که حمل و نقلشان ممنوع است اگر اداره پست سوء ظنی پیدا کرده باشد که از چیزهای ممنوع در آن بسته است حق دارد همه وقت باز شن آن را بخواهد و به بنده هست یا نیست و اما اینکه میفرمایند اگر يك امانتی مفقود شود آن وقت صاحب امانت نمی تواند مطالبه قیمت امانت خود را بکند و همیشه اداره پست میگوید این امانت را بیش از قیمت حقیقی قیمت بوده گمان میکند همچو چیزی نباشد بجهت اینکه اگر يك اسبابی کم شد اداره پست از کجا میتواند بفهمد که این امانت چه بوده که زیادتیر یا کمتر قیمت شد وقتی اداره پست میتواند بگوید زیادتیر از قیمت اصلی اظهار شده است که بتواند در محکمه رسمی اثبات کند و دلایلی داشته باشد که محکمه عدلیه آن دلایل را قبول کند پس از اینکه دلایلی داشت و محکمه قبول کرد و طرف هم اقرار کرد که من زیادتیر از قیمت حقیقی اظهار کرده ام آنوقت اداره می تواند تمام آن قیمت را نهد و الا تا بتواند ثابت کند و محکمه پذیرد اداره پست نمی تواند همچو کاری بکند.

**سردار سعید** - بنده در شور اول مخالفت کردم حالا هم مخالفت خود را اظهار میکنم بواسطه اینکه در صورتی که اداره پست میتواند يك امانتی را باز کند و از محتوی آن مسبوق شود چه علت دارد که قیمت آنرا بیش از قیمت واقعی قبول کند و بیمه کند ولی در صورتیکه قبول کرد و بیمه کرد و حق بیمه را از من گرفت و امانت من از میان رفت دیگر نباید حق داشته باشد از ادای غرامت مال بیمه شده و مفقود شده من مخالفت کند

**محمد هاشم میرزا** - علی الحال بعد از آنکه ما تعیین کردیم که در یکی از محاکم رسمی باید ثابت کند جای حرف و اشکالی باقی نمی ماند بعضی از آقایان میفرمایند چطور ممکن است ثابت کند مرض میبکنم ممکن است خود صاحب مال در جایی اقرار کرده باشد و جمعی شهادت بدهند ممکن است

که تاجر باشد و از دفتر او معلوم شود ممکن است سارق آن بسته بعضی تفتیش پیدا شود در این صورت بمحاکم رسمی رجوع می کنند و معلوم میشود قیمتش یا نوزده تومان بوده صد و پنجاه تومان قیمت معین کرده و بیمه کرده بنا بر این اثباتش هیچ اشکال ندارد لابد اگر يك طریق اثباتی نباشد این مطالب را تضدیق نخواهند کرد و غرامت را میدهند ولی وقتی که در محکمه ثابت شده هیچ ضرر ندارد اینطور باشد ولی آنروز مذاکره شد که باید يك مدتی برای اینکار معین کنند و در اینجا معین نکرده است خوب است آقای مخبر جواب بدهند که در چه مدت باید در محکمه ثابت کند و علت اینکه مدت معین نشده چه چیز است

**مخبر** - اینکه آقای سردار سعید فرمودند وقتی که اداره پست امانتی را قبول میکند ببیند چه چیز است و قیمت آنرا مطابق واقع معین کند بنده عرض میکنم این مسئله غیر ممکن است بجهت اینکه اتفاق می افتد در هر روزی هزار امانت گرفته میشود اگر بخواهند آنها را یکی یکی باز کرده تقویم کنند در هر قدری باید بیست نفر معین فرستند و گریه امانت کفایت این خرج را نمی کند که اداره پست ده نفر بیست نفر بالنسبه به هر قدری معین فرستند داشته باشد اما اینکه آقای محمد هاشم میرزا میفرمایند مدت را معین کند مدت در فصل بعد معین شده که فقط يك سال خواهد بود و بعد از يك سال دیگر طرفین بهم حقی نخواهند داشت.

**سردار معظّم** - این ماده با اصل فلسفه بیمه میشود مخالف است بیمه يك چیزی است که از طرفین قبول يك چیزی را بنده میگویم قیمتش این است و طرف مقابل آن قیمتی را که من اظهار کرده ام قبول میکند و بنسب آن قیمتی که من اظهار کرده ام حق بیمه میگیرد اگر آقای محمد هاشم میرزا در فلسفه ایجاد بیمه در دنیا دقت میکردند این اظهار را نمی کردند وقتی که بنده جان خود را بیمه میدهم آن کسی که قبول میکند البته تمام اتفاقات را از قبیل زود مردن و غیره را پیش بینی کند با وجود این بیمه میکنند همچون است این قضیه در امانات وقتی که من امانت خود را بیمه کردم و گفتم قیمت آن چقدر است ممکن است از مبلغ واقعی زیادتیر قیمت کرده باشم یا ممکن است کمتر قیمت کرده باشم دقت و تحقیق در پذیرفتن امانت من بسته با اختیار خود اداره پست است وقتی که اداره پست خانه امانت را بهمان قیمتی که من اظهار کرده ام پذیرفت و حق بیمه را گرفت و سندی بن داد بر زمه آن اداره است که آن امانت را بهمان قیمتی که من سپرده ام غرامت بدهد حالا اگر مامقید کنیم که پس از این که امانت مفقود شد معقول موقوف در يك محکمه باشد آن وقت من نمیدانم چطور ثابت میشود که يك چیز مفقود شده قیمتش صحیح بوده است یا صحیح نبوده است اینماده علاوه بر اینکه با فلسفه و اساس بیمه موافقت ندارد کلیتاً برای صاحبان امانات هم اسباب اشکال خواهد شد و وقتی يك امانتی کم شد اداره پست خواهد

گفت که باید در فلان محکمه ثابت شود بنا بر این اینماده هیچ نتیجه ندارد و به محض این که اداره پست خانه يك امانتی را قبول کرد و بیمه کرد بر زمه اوست که تمام مبلغی را که صاحب امانت معین کرده بدهد اعم از این که آن مبلغ از قیمت اصلی زیادتیر باشد یا کمتر باشد.

**حاج شیخ اسدالله** - بنده تصور میکنم این مسئله هیچ منافی با فلسفه بیمه نباشد و در واقع این فقره خیلی صحیح نوشته شده و این که میفرمایند خارج از فلسفه بیمه است اگر درست دقت بفرمایند خواهند دید اینطور نیست زیرا ممکن است در موقع بیمه کردن يك عمارتی بیمه دهنده بگوید این عمارتی را که من بیمه میدهم تمامش از آجر ساخته شده است و آن بیمه کننده بگوید من يك عمارت آجری را بیمه میکنم و قتی که سيل آمد و آب آن عمارت را خراب کرد می بینید تمام آن آجر خشت ساخته شده است این يك تقلبی است که بیمه دهنده کرده است و اگر بیمه کننده آن عمارت را نسازد هیچ منافسی با فلسفه بیمه نیست بیمه بجای خودش است منتها این شخص يك قلب دزدی کرده و آن قرار دادی را که کرده اند موافق آن رفتار نکرده است در این صورت مطلب بر میگردد به محاکمه همینطور وقتی که شخصی بسته امانتی را با اداره پست داد و خودش هم بنا بر قرار داد قیمتی از برای آن معین میکند آنوقت بوجوب این قانون اگر در بین راه آن امانت مفقود شود و اداره پست در ضمن محاکمه بتواند ثابت بکند که قیمت آن از روی تقلب اظهار شده آنوقت دیگر اداره پست و دولت ضامن آن امانتی که به پست داده شده است و قیمت آن از روی تقلب اظهار شده نیست اینمطلب راجع بوقتی است که امانتی مفقود شود در غیر اینموقع که محل حرف نیست بجهت اینکه اداره پست يك حق الضمانه گرفته که يك امانتی را بقبصد برساند و رساننده و رسیدش را هم بصاحبش رد می کنند نزاع در موردی است که وقتی يك امانتی را اداره پست بیمه کرده مفقود شود آن را هم در صورتیکه میگویند اداره پست در یکی از محاکم رسمی ثابت کند که شخص بیمه کننده تقلب کرده و دروغ گفته است دیگر هیچ اشکالی باقی نمی ماند و اینهم که گفته شد اداره پست اگر بخواهد ثابت کند که آن شخص تقلب کرده باید امانات مردم را تفتیش کند هیچ محتاج به تفتیش نیست و ممکن است ثابت شده این تقلب بچند قسم دیگر باشد مثلاً يك امانتی در بین راه باشد و ضایع میشود وقتی که باز می کنند می بینند آن چیزی که فاسد شده است هزار تومان بیشتر قیمت نداشته است در صورتی که بیمه کننده آنرا صد هزار تومان قیمت کرده است آنوقت عین مالش موجود است و به محکمه ارائه میدهند و ثابت می کند که این مال این قیمت را نداشته و در اینجا بیمه کننده تقلب کرده است پس بوجوب این قانونی که اینجا وضع میشود بدست تمام مردم میدهند میگویند هر گاه در موقعی که تو مال خود را بیمه میکنی دروغ بگویی دولت هیچ مسئولیت و ضمانتی ندارد در اینصورت این يك ضرری است که خودش بخودش وارد کرده و هیچ ایرادی به دولت نیست و دولت تقصیری نکرده و نباید در اینجا غرامت بدهد باین جهت بنده این فقره را خیلی صحیح اینماده علاوه بر اینکه با فلسفه و اساس بیمه موافقت ندارد کلیتاً برای صاحبان امانات هم اسباب اشکال خواهد شد و وقتی يك امانتی کم شد اداره پست خواهد

**نظام السلطان** - يك قسمت هرايش بنده را که میخواستم دليل صحت قول خودم بیاورم آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند و يك قسمت دیگر اینست که عرض میکنم تمام صحبت در اینجا که اگر يك وقتی امانتی مفقود شد این بیمه متعلق بهمان است و اگر کسی مالش را بیک نقطه بفرستد و بداند این مال مرتب و سالم بقبصد خودش میرسد هیچ وقت نمی آید يك مبلغ گزافی بعنوان بیمه بدهد پس مقصود از بیمه کردن این است که احتمال میدهد شاید برای امانت او بلائی حاصل شود و بمنزل نرسد لهذا این وجه را اول میدهد و بداند این وجه مطمئن میشود که اگر این مال عیب کرد اداره پست خانه از عهده غرامت آن برمی آید حالا اگر بنویسیم امانتی که مفقود شد اگر ( اداره پستخانه در یکی از محاکم رسمی تقلب بیمه کننده را ثابت کنند غرامت نخواهد داد )

اولا باید دانست اداره پست بچه قسم میتواند اینمطلب را ثابت کند از این گذشته تا يك اندازه قوانینی که امروز میگذرد باید يك ترتیبی باشد که اسباب تسهیل کار و اسباب آسایش عامه فراهم شود نه اینکه تمام اسباب اشکال شود بنده عقیده ام این است که اگر این مادها تجزیه کنند علاوه باید معلوم شود که آن محکمه رسمی در عدلیه است یا در جای دیگر مثلا ممکن است بوجوب نظامنامه این محکمه را در داخله خود پستخانه قرار بدهند معلوم نیست که محاکمه آنرا در کجا قرار داده اند و دیگر این که شرحی پیشنهاد میکنم که اینماده تفکیک بشود شاید رفع اشکال بشود.

**منتصر السلطان** - در اینخصوص که در اصول بیمه مذاکره فرمودند گمان میکنم اگر درست دقت بفرمایند و نظامنامه ها و قرار نامه های اداری بیمه را ملاحظه فرموده باشند میدانند بعضی چیزها مستثنی است و در پشت اوران بیمه و نظامنامه های بیمه استثنا کرده اند همینطور که در اینجا اداره پست بعضی چیزها را شرح میدهد و در آنجا هم بعضی چیزها را شرط میکنند و اینکه آقای سردار معظّم فرمودند باید طرف پرورد بدلیه و ثابت کند اینطور نیست در اینجا میبوسد پستخانه باید ثابت کند و اینمطلب برای کسی ضرر ندارد در قانون پستی نوشته شده است که اگر يك چیزی را که مردم با اداره پست امانت داده اند سرقت شد باید یا عین امانت یا قیمت آنرا تاسی سال بدهد لهذا میگوید که اگر من تا يك سال این امانت را که به پستخانه داده در محکمه عدلیه ثابت کردم که به تقلب (مخصوصاً لفظ تقلب ذکر شده است).

این قیمت را معین کرده مسئولیت نخواهم داشت اینمطلب اهمیتی ندارد که آقایان آنقدر وحشت دارند و مخالفت میکنند دولت میگوید این اختیار را بمن بدهند که اگر تقلب آن شخص را ثابت کردم غرامت ندهم فرضاً در بین راه کاشان و نطنز يك دزدی پیدا شد چنانچه اغلب هم پیدا میشود و يك شخصی که از وقوع این مسئله مسبوق است می آید و يك بار آجری میفرستد رصد هزار تومان بیمه میکند اگر این تقلب را از روی دفتر او یا طور دیگر در محکمه عدلیه ثابت کند چه حرفی دارد و اگر نتوانست ثابت کند البته از عهده غرامت برمی آید **نایب رئیس** - گویا مذاکرات کافی است نوشته شده است.

(بعضی گفتند کافی نیست) پس رای میگیریم باین که مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند ( عده کثیری قیام نمودند )

**نایب رئیس** - آقایان مذاکرات را کافی دانستند فقره ثانی قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

ثانیا - در صورتیکه اداره پست حمل اشیا را را بعهده بگیرد که موافق مسطور است ماده هفتم مجبور بقبول آن نباشد و در اینصورت خود را مخصوصاً از مسئولیت خارج نماید

**نایب رئیس** - در این فقره مخالفی هست؟  
**حاج شیخ اسدالله** - بنده تصور می کنم این عبارت ناقص باشد در موقع گرفتن امانت اداره پست باید معلوم مسئولیت خودش را بطرف اظهار کند (فقره سوم بعضون ذیل قرائت شد)

ثالثاً - در صورتی که علت فقدان یا تضییع مرسولات وقایع جنگی و شورش داخلی مملکت و یا انقلابی باشد که رفع آن از عهده حکومت محلی خارج است و ولی مطالبه کننده همیشه حق خواهد داشت که در باب اثبات متوج اضطراری بودن که استدلال بآن میشود دلایل لازمه را بخواهد

**نایب رئیس** - آقای معظّم السلطنه فرمایشی دارید؟

**معتصم السلطنه** - بنده عرض این بود که در موقع رای گرفتن اینماده باید تجزیه شود

**نایب رئیس** - این تقاضا قبلا شده و پذیرفته است.

**حاج شیخ اسدالله** - در این عبارت ( در صورتی که علت فقدان یا تضییع مرسولات وقایع جنگی و شورش داخلی مملکت و یا انقلابی باشد ) در شور اول مذاکره شد و بنده هم عقیده خودم را عرض کردم که اینطور موافق اداره پست مکلف است اشیا را بیمه نکند و مسئولیت را بعهده خود نکیرد اما بعد از اینکه اداره پست مسئولیت را بعهده گرفت و بیمه کرد در مقابل آن وجهی که گرفته ضامن میشود دیگر نمی تواند بگوید در مملکت شورش انقلابی بوده است مگر در مواقع اتفاقی که فوراً بعد از ارسال امانت آن انقلاب حادث شود نه در موقع گرفتن امانت اینکه این مطلب را بطور اطلاق نوشته اند بنده صحیح نمیدانم و عقیده ام این است خیلی بی مورد است برای خاطر اینکه شورش و انقلابات داخلی را اداره پست بهتر از آن کسی که امانت میدهد اطلاع دارد باید نوشته شود مگر شورش و انقلابی باشد که بعد از فرستادن امانت پیدا شود که جلوگیری آن خارج از قدرت اداره پست باشد

**مخبر** - گمان میکنم اگر این ترتیبی که آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند نوشته بشود خیلی اسباب اشکال اداره پست میشود بواسطه این که فرض بفرمایید اداره پست يك امانتی را از بوشهر برای سیستان و یا از سیستان برای خراسان حمل میکند در آنموقع هیچ انقلاب و شورش نیست یا اگر هم در آنموقع انقلابی واقع شد اطلاعش به اداره پست نرسیده حتی پستخانه مرکزی هم اطلاع ندارد به محض اینکه حمل کرد يك افتتاحی و

شورشی پیدا میشود البته اداره پست بمحض این که اطلاع پیدا کرد حتی المقدور اگر دست رسی داشته باشد و آن امانت بمحل افتتاش نرسیده باشد تلگراف میکنند که اشیاء معموله را حمل نکنند و فوراً آن امانات را توقیف میکنند و نمی گذارند رد شود ولی يك وقتی که اتفاقاً رد شد و خبر به اداره پست نرسیده بود البته از عهده پست خارج است و نمی تواند جلو گیری کند

**نایب رئیس** - دیگر مخالفی نیست؟

مخالفتی نشد و فقره چهارم بمضمون ذیل قرائت شد

راباً - در صورتی که موجب فقدان یا تضییع مرسولات یکی از حوادث آسمانی باشد کرفع آن ممکن نیست

**سر دار سعید** - بنده این اختیاراتی را که در اینجا از برای اداره پست اضافه کرده اند زائد میدانم اگر کسی يك امانتی را بیمه کرد وقتی از میان رفت باید بوصول غرامت خودش برسد و نباید دایره اختیارات را اینقدر وسعت داد که هیچکس نتواند مطالبه غرامت کند بجهت اینکه اگر بنا باشد آن کسی که امانتی را بیمه می کند کاملاً مطمئن باشد که امانت او خواهد رسید دیگر بیمه نخواهد کرد بیمه از برای این نیست که بستخانه فائده خوش را ببرد آیا باین ترتیب بیمه از برای مردم چه فائده خواهد داشت آن کسی که امانت محدود را بیمه میدهد این پول را برای این میدهد که اگر امانتش از میان رفت اداره پست از عهده غرامت برآید مثلاً در موقعی که سیلی آمد و فلان فراش پست که نباید بآب بزند باب زدواب آن فراش را با امانات برد آنوقت اداره پست بگوید حوادث آسمانی بوده البته در این موقع اداره پست نمی تواند اینطرف را بزند زیرا وقتیکه از من وجه بیمه را گرفت مسئول است که از عهده غرامت برآید و باید ملاحظه کرد که این وجه بیمه را از برای چه میگیرند این یک تجارتخانه نیست که نامش فایده باشد يك اداره است که برای سهولت کار - های مردم تاسیس شده البته يك وقتی هم باید ضرر کند .

**محمد شاه ششم میرزا** - اینکه فرمودند اگر در يك موقعی فراش پست به بیند سیل می آید خودش را بآب بزند و امانات مردم از بین برود اداره پست خانه نمیتواند غرامت ندهد بنده عرض میکنم ممکن است فوراً رعد بیاید و بکمرته سیلی حادث بشود ممکن است برق بزند و تمام را بسوزاند بملاوه تصور نمیکند کسی بی جهت خودش را بسیل بزند و جان خودش را بخطر بیاندازد لابد جان خودش را بهتر از امانات مردم دوست دارد حوادث آسمانی که نوشته نشده است از قبیل سیل های بیوقع و برق و امثال آنها است نه اینکه بيك باران یا يك چیز خیلی جزئی .

(فقره پنجم بمضمون ذیل قرائت شد)

خامساً - در صورتی که علت فقدان یا تضییع مرسولات محتویات آنها و یا خورد آنها و یا غفلت فرستنده باشد .

**نایب رئیس** - در این فقره مخالفی نیست

مخالفتی نشد و فقره ششم بمضمون ذیل قرائت شد

سادساً - در صورتی که در موقع تحویل دادن مرسوله بگيرنده آثار دست خوردگی از لفاف خارجی آن دیده شود و وزن آنها با وزن زمان تحویل موافقت نماید ولیکن در صورتی که فرستنده در زمان ارسال محتویات مرسوله خود را روی مرسوله بیاروی و رفته که بهمرای آن فرستاده میشود بنویسد و دفتر پست فرستنده صحت آنرا امضاء کند ولو اینکه عیبی روی لفاف خارجی مرئی نشود و وزن آنها با وزن زمان تسلیم موافقت نماید اداره پست مسئول کسری یا معایب دیگران خواهد بود بجهت خسارات غیر مستقیم و عاید نشدن منافع متصوره اداره پست مسئولیت بمعهده نخواهد گرفت .

**نایب رئیس** - در این فقره سادس مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) يك پیشنهادی از طرف آقای مخبر شده است که يك فقره باینماده اضافه شود .

( بمضمون ذیل قرائت شد )

سابماً - برای فقدان یا کتلهای غیر سفارشی یا بیمه نشده اعم از اینکه محتوی اسکناس یا حوالجات در وجه حامل یا سایر اوراق قیمتی باشد یا نباشد اداره پست مسئولیتی نداشته فرستنده کان حق مطالبه غرامتی ندارند .

**نایب رئیس** - حالا رای میگیریم اگر آقایان اجازه بدهند فقره بفقره رای گرفته میشود رای می گیریم بفقره اول بطوری که قرائت شد - آقایانی موافقتن قیام نمایند .

( عده قلبی قیام نمودند )

**نایب رئیس** - رد شد فقره ثانی که در واقع فقره اول است قرائت میشود و رای میگیریم .

( مجدداً بمضمون فوق قرائت شد )

**نایب رئیس** - آقایانی که باین فقره موافقتن قیام نمایند .

( عده کثیری قیام نمودند )

فقره دوم تصویب شد

**نایب رئیس** - رای میگیریم بفقره ثالث که ثانی خواهد بود آقایانی که موافقتن قیام نمایند .

( عده کثیری قیام نمودند )

**نایب رئیس** - تصویب شد رای میگیریم باین فقره چهارم که در واقع فقره سوم میشود آقایانی که تصویب میفرمایند قیام نمایند .

( عده قلبی قیام نمودند )

**نایب رئیس** - این قسمت هم رد شد رای میگیریم بفقره پنجم که چهارم است آقایانی که موافقتن هستند قیام خواهند فرمود .

( غالب نمایندگان قیام نمودند و فقره ششم مجدداً قرائت شد )

**نایب رئیس** - آقایانی که با فقره موافقتن قیام خواهند فرمود .

عده کثیری قیام نمودند

**نایب رئیس** - رای میگیریم بفقره هفتم که از طرف آقای مخبر پیشنهاد شده آقایان که این پیشنهاد را تصدیق میفرمایند قیام نمایند .

( عده کثیری قیام نمودند )

**مخبر** - رای در کلیات این ماده را استدعا میکنم بکنارید بماند زیرا که دو فقره این ماده رد شده است که باید دو فقره طور دیگر نوشته شود و پیشنهاد شود

**نایب رئیس** - بلی چون فقره هفتم هم شور اولش بود در واقع قابل توجه شده و بکمیسین رجوع میشود پیشنهادی که آقای مدرس راجع بماده ۴۲ کرده اند قرائت میشود و رای میگیریم بمضمون ذیل خوانده شد

پیشنهاد می کنم که بعنوان تبصره آخر ماده ۲۴ اضافه شد بعد از دادن غرامت اگر مال مفقود شده پیدا شد باید مال بصاحبش رد شود و غرامت استرداد خواهد شد

**نایب رئیس** - توضیحی دارید بمفروضات **مدرس** - مسئله واضح است و محتاج به توضیح نیست

**مخبر** - مسلم است اداره پست اینکار را می کند ولی برای این کار يك مدتی لازم است زیرا يك مالی را که اداره پست باید غرامت بدهد غرامتش را میبرد از شاید پنج سال بعد از آن مال پیدا شد اداره پست بعد از پنج سال نمی تواند این کار را بکند و اسباب زحمت برآید اداره پست خواهد شد

**نایب رئیس** - پس قبول می کنید **مخبر** - بلی

**نایب رئیس** - پس این پیشنهاد مراجعه بکمیسین می شود - چون فردا عید است و صورت خلاصه را شاید اداره تقنینیه برای روز پنجشنبه نمیتواند حاضر کنند جلسه آتی را اگر مخالفی نباشد برای روز شنبه سه ساعت قبل از ظهر معین میکنم و دستور آن شور در بقیه قانون پستی خواهد بود و قبل از اینکه آقایان تشریف ببرند لازم است عرض کنم که شاهزاده نجفقلی میرزا از کمیسین معارف بواسطه کسالت استعفا کرده کمیسین آقای میرزا محمدعلی خان بواسطه مشغله از کمیسین خارجه استعفا داده اند باید دو نفری بجای ایشان انتخاب شوند در جلسه آینده ناظر معین میشود و تعیین این دو نفر خواهد شد

( مجلس يك ربع بعد از ظهر ختم شد )

**جلسه ۵۰**

**صورت مشروح مجلس روز شنبه**

**(۶) شعبان ۱۳۳۳**

مجلس ۲ ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز ۳شنبه دوم قرائت شد

فائین با اجازه - آقایان شریف الملک - آقا شیخ یحیی - حاج میرزا حسین خان - ناصر الاسلام - فائین بدون اجازه - آقای ملک الشعراء - امیر تیمور

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟ (مخالفتی نشد) صورت مجلس تصویب شد

دستور امروز شور دوم در بقیه قانون پستی است از ماده ۴۵

( ماده ۴۵ بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده ۴۵ - در صورتیکه دفتر تأدیبه بروات پستی بقدر کفایت وجه صندوق موجوده نباشد و تأخیر در تأدیبه بروات حاصل شود تا زمانی که این تأخیر از حدود معینه در نظامنامه مخصوصی که در ظهر بروات پستی طبع میشود تجاوز نکرده است اداره پست غرامتی برای تأخیر تأدیبه نخواهد کرد

**رئیس** - در اینماده نظریاتی نیست؟

**حاج شیخ اسدالله** - تصور میکنم نوشتن